

# نظریه‌ی ایقاع در تبیین ماهیت عملیات براتی

مهدی عبدالملکی  
کارشناس ارشد حقوق خصوصی

## مقدمه

برات دارای احکام ظریف، فراوان و پیچیده‌ای است که همه آنها در جهت تأمین سرعت و امنیت در مبادلات انبوه تجاری مقرر شده‌اند. تعدد و پیچیدگی‌های این احکام سبب شده است تبیین ماهیت حقوقی برات به گونه‌ای که بتواند این احکام را توجیه و مدلل نماید بسیار دشوار گردد، تا آنجا که برخی نویسندگان تلاش برای تبیین کامل ماهیت این تأسیس حقوقی را کاری بی‌ثمر قلمداد نموده‌اند. تعدد نظریات مختلف ابرازی از سوی حقوق‌دانان کشورهای مختلف و نقض و ابرام‌های این نظریات در بین حقوق‌دانان مؤید این معناست.

تبیین صحیح ماهیت حقوقی برات از آن جهت دارای اهمیت است که اولاً موجب درک و فهم آسان احکام غامض و متعدد حاکم بر آن می‌گردد. ثانیاً در رفع تعارض بین این احکام بسیار مؤثر است. ثالثاً در موارد اجمال و یا سکوت قانون به راحتی می‌توان حکم صحیح را بر مبنای آن استنباط نمود.

علیرغم این ضرورت‌ها تکنون هیچ تئوری کاملی که بتواند ماهیت حقوقی برات را تبیین نماید از سوی حقوق‌دانان ابراز نگردیده است. نویسندگان حقوق تجارت وجهی همّت خود را بیشتر مصروف بیان احکام شکلی برات نموده‌اند و در بررسی ماهیت حقوقی آن یا اصلاً وارد مسئله نشده‌اند و یا اینکه حداکثر گزارشی اجمالی از نظریات مطرح در این خصوص را در مقدمه مباحث خود طرح نموده‌اند. همچنین نویسندگان حقوق مدنی نیز بعضاً به اجمال

## چکیده

ماهیت عملیات براتی (صدور، ظهرنویسی، قبول و ضمانت) ایقاع است و موضوع آن ایجاد یک اعتبار پولی برای دارنده‌ی سند براتی و یا توثیق اعتبار ایجاد شده می‌باشد.

این عمل حقوقی (ایقاع) یک عمل حقوقی تشریفاتی و عینی است. براساس این نظریه امهات اصول و احکام حاکم بر سند براتی (مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان، اصل عدم توجه ایرادات روابط مبنایی، اصلی استقلال امضانات، اصل تجریدی بودن عملیات براتی و...) را کاملاً توجیه و مدلل می‌نماید و بر خلاف سایر نظریات ابرازی پیشین، که این اصول را خلاف قواعد حقوق مدنی تصویر می‌کردند، تمامی این اصول حاکم بر سند براتی را به صورت قاعده‌مند و موافق با قواعد حقوق مدنی تبیین می‌نماید.

**کلمات کلیدی:** برات، عملیات براتی، سند براتی، ایقاع، صدور سند براتی، قبول سند براتی، ظهرنویسی سند براتی، ضمانت سند براتی، ایجاد اعتبار، توثیق اعتبار، ماهیت سند براتی.

نظریاتی در این خصوص طرح کرده‌اند آنچه از مجموع استقرانات صورت گرفته در نظریات ابرازی در مورد تبیین اصول و احکام حاکم بر برات می‌توان احصاء نمود این است که حقوق‌دانان در برخورد با پیچیدگی‌های احکام برات، نوعاً این اصول و احکام را خلاف اصول و قواعد حقوق مدنی (و به طریق اولی قواعد فقهی) توصیف نموده‌اند و این تخلف سامانه‌ها و نهادهای حقوق مدنی را ناشی از ناکارآمدی حقوق مدنی در تأمین نیازهای دنیای تجارت دانسته‌اند.

به دیگر سخن آنان در تحلیل حقوقی این احکام، صرفاً آنها را ناشی از الزامات دنیای تجارت دانسته و لهذا نوعاً چهره‌ای خلاف قاعده و استثنایی برای اسناد براتی تصویر کرده‌اند. به نظر ما این امر ناشی از عدم تبیین صحیح از ماهیت حقوقی برات است. به این سبب این مقاله بر آن است ماهیت حقوقی برات را بر مبنای نظریه‌ی ایقاع تبیین نماید، تا بر مبنای آن بتوان تحلیل صحیحی از اوصاف، اصول و احکام حاکم بر برات ارائه نمود و در موارد اجمال و فقدان نصوص قانون، حکم صحیح را استنباط نمود.

### بند اول: مفاهیم و تعاریف

ایقاع در زمره‌ی اعمال حقوقی (در مقابل وقایع حقوقی) و از جمله منابع تعهدات شمرده شده است. نویسندگان حقوق مدنی تعهد را اینگونه تعریف کرده‌اند: «رابطه‌ی حقوقی است که به موجب آن شخصی در برابر دیگری مکلف به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری می‌شود، خواه سبب ایجاد آن رابطه عقد باشد یا ایقاع یا الزام قهری»<sup>۱</sup> همچنین در تعریف تعهد گفته شده است: «تعهد، رابطه‌ی حقوقی بین دو شخص است که به موجب آن متعهدله می‌تواند متعهد را ملزم به پرداخت مبلغی پول یا انتقال چیزی و یا انجام دادن متعهد به کاری (که فعل یا ترک عمل معینی است) بکند»<sup>۲</sup>.

در خصوص منابع تعهدات، در حقوق کشورهای مختلف نظریات گوناگونی ابراز شده است. برخی نویسندگان منبع تعهدات را «عقد» و «قانون» دانسته‌اند و برخی دیگر ایقاع، جرم و شبه جرم و شبه عقد و تکالیف قانونی مانند الزام به نفعی اقارب را بر آن‌ها افزوده‌اند.<sup>۳</sup> لکن به نظر می‌رسد بهترین نظریه‌ی ابرازی در این خصوص نظریه‌ی است که منابع تعهد را به دو گروه «اعمال حقوقی» و «وقایع حقوقی» تقسیم کرده است.

«مبنای این تقسیم جداکردن تعهد ارادی از الزامهایی است که به طور قهری بر اشخاص تحمیل می‌شود. اعمال حقوقی «اعلام اراده‌ی است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص انجام می‌شود و قانون نیز اثر دلخواه را بر آن بار می‌کند» به بیان دیگر، عمل حقوقی، کار ارادی است که اثر حقوقی آن با آنچه فاعل می‌خواسته منطبق است. عمل حقوقی را که در نتیجه توافق دو یا چند مشخص بوجود می‌آید «عقد» و عملی را که با یک اراده تحقق می‌پذیرد «ایقاع» می‌نامند.

... وقایع حقوقی (به معنی خاص) دسته‌ای از وقایع است که آثار حقوقی آن نتیجه‌ی اراده‌ی شخص نیست و به حکم قانون بوجود می‌آید. خواه ایجاد واقعه ارادی باشد مانند غصب و اتلاف مال غیر یا غیرارادی مانند فوت و تولد شخص و حوادث قهری»<sup>۴</sup>

پس از بیان این مقدمه به تعریف دقیق عقد و ایقاع می‌پردازیم:

**عدم قابلیت رد از عناصر ایقاع نیست و ممکن است اثر حقوقی علیرغم این که با یک اراده واقع شده است، به دلیل برخوردی که با حقوق دیگری دارد از سوی او قابل رد باشد. بنابراین امکان رد عمل حقوقی انجام شده، با ایقاع بودن آن منافات ندارد**

با عنایت به مفهوم عمل حقوقی می‌توان گفت: ایقاع عمل حقوقی است که با یک اراده واقع می‌شود و در صورتیکه بخواهیم تعریفی از ایقاع ارائه دهیم که وابسته به مفهوم عمل حقوقی نباشد می‌توان گفت: «ایقاع انشاء اثر حقوقی است که با یک اراده انجام می‌شود»<sup>۵</sup>

این تعریف در برابر تعریف عقد ارائه شده است که عبارت است از «توافق دو یا چند اراده در ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود»<sup>۶</sup> هم‌چنین در تعریف ایقاع گفته شده است: «عملی است قضایی و یک جانبه که به صرف قصد انشاء یک طرف، منشأ اثر حقوقی شود بدون این که تأثیر مذکور، ضرری به دیگری برساند، مگر در موارد مصرح در قانون، مانند اخذ به شفعه و طلاق...»<sup>۷</sup>

### بند دوم: تمیز عقد از ایقاع

با توجه به تعریفی که از عقد و ایقاع بیان شد تفاوت‌هایی آن دو روشن می‌شود.

جهات افتراق عقد و ایقاع در نوشته‌های حقوقی به شرح زیر تبیین گردیده است:

۱- «عقد عمل حقوقی دو طرفه‌ای است که با تراضی و قصد انشای دو طرف عقد به وجود می‌آید. اما ایقاع عمل حقوقی یک طرفه‌ای است که با یک اراده محقق می‌گردد و قصد انشای یک فرد و رضای او برای تحقق آن کافی است»<sup>۸</sup>.

۲- «عقد با ایجاب و قبول محقق می‌شود و اثر مقصود صرفاً با ایجاب تحقق نمی‌یابد بلکه با قبول آن از طرف مقابل محقق می‌گردد، در حالی که ایقاع نیازی به قبول ندارد. نیازمندی عمل حقوقی به قبول و عدم آن ضابطه‌ای است که فقیهان امامیه در تمیز عقد و ایقاع به کار بسته‌اند»<sup>۹</sup>

۳- انشاء ایقاع مستقل و منجز است در حالی که در هر عقد دو انشاء وابسته به یکدیگر وجود دارد. توضیح این که در عقد - برخلاف آنچه برخی ادعا کرده‌اند - قبول تنها رضای به مضمون ایجاب نیست بلکه انشایی مستقل است که در راستای هدف ایجاب محقق می‌شود. البته جدایی دو انشاء در عقد چنین نیست که این نهاد از دو ایقاع مستقل تشکیل شود بلکه در عقد دو انشاء وابسته به یکدیگر وجود دارد.<sup>۱۰</sup> بدین ترتیب می‌توان گفت: «انشاء و ایجاد اثر حقوقی مقصود (در عقد) از ناحیه موجب، موکول به قبول آن (به همان گونه) توسط طرف ایجاب است، یعنی خود موجب، اثر مقصود را در صورت قبول آن توسط دیگری اراده کرده است»<sup>۱۱</sup>.

۴- با بیان جهات افتراق ایقاع و عقد تمیز آن دو از هم آشکار می‌گردد، لکن مواردی وجود دارد که تمیز آن‌ها را مشکل می‌گرداند از جمله این موارد تمیز ایقاع قابل رد از عقد است. توضیح این که عدم قابلیت رد از عناصر ایقاع نیست<sup>۱۲</sup> و ممکن است اثر حقوقی علیرغم این که با یک اراده واقع شده است، به دلیل برخوردی که با حقوق دیگری دارد از سوی او قابل رد باشد. بنابراین امکان رد عمل حقوقی انجام شده، با ایقاع بودن آن منافات ندارد و نباید رد شخصی که حق به سود او ایجاد شده است را با قبول اشتباه کرد.<sup>۱۳</sup> بنابراین در بعضی ایقاعات همانند وصیت عهدی (بنا بر ایقاع بودن آن) اثر مقصود با رد دیگری از بین می‌رود.<sup>۱۴</sup>

ایجاد شده توسط دولت نبودند. به دیگر سخن اسکناس موجود اعتباری بود که در مقام ایجاد یک اعتبار مالی به نفع دارنده آن از سوی دولت اعتبار و ایجاد شده بود.<sup>۱۱</sup> لذا ملاحظه می‌شود پول امروزی که مولود سند براتی بوده است از نظر ماهوی با سند براتی تفاوتی ندارد و هر دو متضمن مقدار معینی اعتبار مالی می‌باشند. با این تفاوت که پول فی نفسه واحد مقیاس و سنجش ارزش است ولی مقیاس سنجش ارزش برات پول است، لذاست که موضوع سند براتی همواره پول است.

بدین سان سند براتی به مثابه پول است

**بنا بر نظر برخی حقوقدانان پذیرش اصل آزادی ایقاعات در حقوق ایران با عنایت به عناصر ایقاع و وحدت ملاک آن با عقود بدیهی می‌نماید.**

**لکن برخی دیگر از حقوقدانان این اصل را در مورد ایقاعات نپذیرفته‌اند.**

**برات امروزی در حقیقت با هدف جایگزینی پول در مبادلات به عنوان ابزار پرداخت از یک سود و ابزار کسب اعتبار از دیگر سو بوجود آمده است**

**تنها تفاوت اساسی اسناد براتی با پول این است که پول توسط دولت ایجاد و اعتبار می‌شود ولی اسناد براتی توسط غیردولت ایجاد و اعتبار می‌شود والا تفاوت ماهوی بین پول و اسناد براتی وجود ندارد.**

«صادرکننده‌ی سند براتی درست مانند دولت یا بانک مرکزی کشور، دست به انتشار پول می‌زند. البته پولی که با تضمین (به معنی اعم کلمه) شخصی گردش می‌کند»<sup>۱۲</sup> و به مانند پول هم وسیله‌ی مبادله قرار می‌گیرد و هم وسیله سنجش ارزش و هم ابزار ذخیره ارزش و کلیه احکام، شرایط و اصولی که قانون‌گذار برای سند براتی مقرر نموده است در حقیقت برای تضمین بیشتر این پول شخصی وضع شده است.<sup>۱۳</sup>

توضیح اینکه پول سه کارکرد عمده دارد: اولاً) واحد مقیاس ارزش اقتصادی است که برای متجانس کردن ارزش‌های گوناگون

با لحاظ این مقدمات می‌توان گفت برات امروزی در حقیقت با هدف جایگزینی پول در مبادلات به عنوان ابزار پرداخت از یک سود و ابزار کسب اعتبار از دیگر سو بوجود آمده است در حقیقت هر بازرگان یا اقدام‌کننده به عملیات براتی با توجه به جایگاه و قدرتی که در جامعه تجاری برای خود کسب کرده است در قبال اعتبار پولی که ایجاد می‌کند (بدون آن‌که نقداً وجهی را بپردازد) اقدام به اخذ کالا یا خدمات می‌کند و به عبارت دیگر در قبال اعتبار پولی ایجاد شده توسط خود، مبادرت به اخذ کالا یا خدمات می‌نماید.

تنها تفاوت اساسی اسناد براتی با پول این است که پول توسط دولت ایجاد و اعتبار می‌شود ولی اسناد براتی توسط غیردولت ایجاد و اعتبار می‌شود والا تفاوت ماهوی بین پول و اسناد براتی وجود ندارد.<sup>۱۴</sup> توضیح این‌که پول امروزی، خود مولود سند براتی است. به دیگر سخن والد پول امروزی، سند براتی بوده است که از طرف دولت‌ها ایجاد و اعتبار می‌شده است: در ابتدا سند براتی ایجاد شده توسط دولت نماینده‌ی مقدار معینی طلا بوده است. به این صورت که حکام فلزات قیمتی مردم را از آنها گرفته و در مقابل رسیدی به آنها ارائه می‌کردند. این رسیدها به تدریج اشکال یکسان و ویژه‌ای به خود گرفتند و هر نوع آنها نماینده‌ی مقدار معینی فلز قیمتی از سوی دارنده نزد حاکم بود.

این رسیدهای متحدالشکل در مبادلات مورد استفاده قرار می‌گرفت و ابزار پرداخت محسوب می‌شد. به مرور زمان دولت‌ها به کشف جالبی نائل می‌آیند و آن اینکه: آنان متوجه می‌شوند رسیدهای متحدالشکل منتشره از سوی آنان می‌تواند بدون آنکه واقعاً در قبال آنها طلایی نزد دولت وجود داشته باشد از سوی مردم معتبر شناخته شود. لذا با توجه به جایگاهی که نزد مردم پیدا کرده بودند اقدام به انتشار رسیدی‌های متحدالشکل نمودند. این رسیدهای متحدالشکل که اسکناس نام گرفت در حقیقت از نظر ماهیت حقوقی حاکی از اعتباری بود که توسط دولت به نفع دارنده‌ی آن به میزان مشخصی طلا ایجاد شده بود. بعدها با توجه به مشکلاتی که در تبدیل اسکناس به طلا بوجود آمد، دولت‌ها تصمیم گرفتند رابطه‌ی بین اسکناس و منشأ آن یعنی طلا را قطع کنند.<sup>۱۵</sup> بدین سان اسکناس‌های منتشر شده از سوی دولت از آن پس چیزی جز سند حاکی از اعتبار مالی

اصل آزادی قراردادهای با توجه به ماده ۱۰ ق.م در حقوق ایران پذیرفته شده است. و به این ترتیب در حقوق ایران علاوه بر عقود معین، عقود نامعین که دارای شرایط اساسی صحت معامله (ماده ۱۹۰ ق.م) هستند پذیرفته شده است. لکن در خصوص اصل آزادی ایقاعات در حقوق ایران، اختلاف نظر وجود دارد:

بنا بر نظر برخی حقوقدانان پذیرش اصل آزادی ایقاعات در حقوق ایران با عنایت به عناصر ایقاع و وحدت ملاک آن با عقود بدیهی می‌نماید.<sup>۱۶</sup>

لکن برخی دیگر از حقوقدانان<sup>۱۷</sup> این اصل را در مورد ایقاعات نپذیرفته‌اند. چرا که اولاً هیچ نص قانونی در خصوص پذیرش عام تعهد یک طرفی نیامده است ثانیاً دکترین و رویه قضایی نیز آن را نپذیرفته‌اند. بنا بر نظر این دسته: نه در منابع فقهی و نه در مقررات قانونی دلیلی که بتوان با استناد به آن، تعهد یک طرف را که تعهد بدوی نیز نامیده می‌شود معتبر دانست وجود ندارد.<sup>۱۸</sup>

آنچه در حقوق ایران و مقررات قانونی وجود دارد اذن‌های پراکنده و ضمنی در پاره‌ای نهادهاست که اگر اصل آن هم پذیرفته شود، بیمگان همراه با قالب‌ها و قیدهای ویژه است. نهادها حقوقی در مواردی که تعهد برای مدیون و به سود دیگری است، شایع‌تر و موانع آن کمتر است ولی نباید از این آسانی نسبی نتیجه گرفت که تعهد به سود دیگران مجاز است. همچنین از جمله ادله برخی اثری نویسندگان مبنی بر عدم پذیرش تعهد یک طرف در حقوق ایران این است که اصل آزادی ایقاع در زمینه ایجاد حق، نظم روابط اجتماعی را نیز برهم می‌زند و اجرای مفاد آن با قراردادهای برخورد فراوان پیدا می‌کند و از این جهت نیز نباید مورد حمایت قرار گیرد.<sup>۱۹</sup>

### بند چهارم: برات به مثابه پول

برای تبیین صحیح ماهیت حقوقی عملیات براتی می‌بایست اولاً) ریشه‌های تاریخی، بسترهای اجتماعی و الزاماتی که سبب حدوث و تحول این نهاد حقوقی شد را مدنظر قرار داد و ثانیاً) بر اساس روش اصولی پذیرفته شده در حقوق مدنی در تشخیص ماهیت یک عمل حقوقی، به قصد واقعی اقدام‌کنندگان به عملیات براتی رجوع کرد و ثالثاً) آثار و احکامی که بر عملیات براتی مترتب می‌شوند

نامتجانس وارد مبادله شده است. به مانند متر که برای مقایسه‌ی طول اشیاء مختلف به کار گرفته می‌شود.

ثانیاً) واسطه در مبادلات است (ابزار پرداخت) یعنی از آن‌جا که اولاً) ابزار سنجش ارزش است و ثانیاً) نماینده‌ی یک ارزش مبادله‌ای عام است می‌توان واسطه در مبادلات قرار گیرد.

ثالثاً) ابزار ذخیره‌ی ارزش است یعنی مردم می‌توانند بجای در اختیار داشتن انواع کالاهای نامتجانس، شیء را در اختیار داشته باشند که از ارزش مبادله‌ای عامی برخوردار باشد تا هنگام لزوم بتوانند با آن کالاهای دیگر را به دست آورند.

سند براتی نیز همه این کارکردها را دارد. علیهذا با قلمدادکردن سند براتی به مثاله پول، اولاً) می‌توان ماهیت حقیقی آن را شناسخت ثانیاً) تمام کارکردها و اهدافی را که بر مبنای

**ماهیت صدور برات ایقاع است و موضوع آن انشاء و ایجاد یک اعتبار (به مفهوم تجاری آن) برای دارنده‌ی قانونی برات است.**

**نکته‌ای که می‌بایست بیان شود این است که پول فی نفسه مال است و سند مال نیست.<sup>۳۳</sup> این امر از تحول تاریخی شکل‌گیری پول کاملاً قابل استنباط است**

آنها سند براتی شکل گرفته و متحول شده است را توجیه و تبیین نمود.

با این توضیح به تشریح نظر مختار خود در خصوص ماهیت حقوقی عملیات براتی می‌پردازیم و ماهیت حقوقی هر یک از صدور قبول، ضمانت و ظهرنویسی سند براتی را تبیین می‌کنیم و در ادامه ماهیت حقوقی سند براتی را نیز تشریح خواهیم کرد. به دیگر سخن، بین ماهیت حقوقی عملیات براتی که یک عمل ارادی و انشایی است و ماهیت حقوقی خود سند براتی که یک ورقه با شکل خاص است تفکیک قائل شده و هر یک را تبیین می‌نماییم.

**بند پنجم: تبیین ماهیت عملیات براتی بر مبنای نظریه‌ی ایقاع**

ماهیت صدور برات ایقاع است و موضوع

آن انشاء و ایجاد یک اعتبار (به مفهوم تجاری آن) برای دارنده‌ی قانونی برات است. به دیگر سخن موضوع عملیات صدور برات انشاء و ایجاد سند در حکم پول و یا پول تحریری است. برات‌کش با صدور برات با اراده‌ی یک طرفه‌ی خویش برای دارنده‌ی سند ایجاد «اعتبار مالی» می‌کند که این اعتبار از طریق ایجاد «سندی در حکم پول» و یا به تعبیر اقتصاددانان «پول تحریری» محقق می‌شود. این «ایقاع» عمل حقوقی تشریفاتی (شکلی) و عینی<sup>۳۴</sup> است. لذا: اولاً) می‌بایست سندی حاوی شرایط شکلی مندرج در قانون تنظیم شود و به امضاء برسد ثانیاً) تا قبض از طرف دارنده‌ی برات صورت نگرفته است این اعتبار ایجاد شده کامل نمی‌شود، به دیگر سخن قبض شرط صحت آن است.<sup>۳۵</sup> و همچنین برات‌کش ایقاع‌کننده تا قبل از تسلیم برات به دارنده، می‌تواند از ایقاع خود رجوع کند. دارنده‌ی برات حق نزد دارد و عدم قبض او به معنی رد این ایقاع است.<sup>۳۶</sup>

موضوع این اعتبار ایجاد شده توسط صادرکننده‌ی سند براتی این است که اولاً) حسب مورد محال علیه سند آن را قبول می‌کند ثانیاً) در سررسید آن معادل مبلغ سند براتی، وجه نقد به دارنده پرداخت خواهد کرد.

بر مبنای این نظریه ماهیت ظهرنویسی نیز ایقاع است و موضوع آن عبارت است از «توثیق مطلق اعتبار ایجاد شده نسبت به ایادی ما قبل خود». به دیگر سخن اولین ظهرنویس اعتباری که توسط برات‌کش ایجاد شده را از طرف وی توثیق می‌کند. این توثیق تشریفاتی است که اولاً) باید کتبی و حاوی امضای ظهرنویس باشد ثانیاً) در خود سند قید شود ثالثاً) ظهرنویس نباید تا قبل از تسلیم از توثیق خود عدول کند (عینی بودن عملیات ظهرنویسی). این توثیق مطلق است یعنی اعم از این است که اعتبار ایجاد شده دارای شرایط ماهوی لازم بوده است یا خیر. ظهرنویس اعتبار سند صادر شده را توثیق می‌کند. سایر ظهرنویسان پیش از خود مبنی بر توثیق اعتبار ایجاد شده را به نفع دارنده‌ی برات توثیق می‌کنند. این توثیق نیز مطلق است. موضوع این توثیق عبارت است از: تضمین (به مفهوم اعم کلمه) اولاً) قبولی برات توسط برات‌گیر ثانیاً) پرداخت مبلغ برات در سررسید آن توسط برات‌گیر.

ماهیت حقوقی ضمانت در سند براتی نیز ایقاع است و موضوع آن عبارت است از «توثیق مطلق اعتباری که مضمون عنه ایجاد

و یا توثیق نموده است نسبت به مضمون له» به دیگر سخن مضمون ضمانت اعتباری را که مضمون عنه آن را ایجاد نموده (در مرحله صدور) و یا توثیق کرده است (در مرحله ظهرنویسی) از طرف او و نسبت به او توثیق می‌کند. و لذا در صورتی مسؤولیت دارد که دارنده‌ی سند اساساً بتواند مضمون عنه را مسؤول بشناسد. این همان چیزی است که قانون تجارت می‌گوید: «ضامن ... فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است ...» (ماده ۲۴۹ ق.ت). موضوع این توثیق نیز عبارت است از: «تضمین (به مفهوم اعم کلمه) اولاً) قبولی برات توسط برات‌گیر ثانیاً) پرداخت مبلغ برات در سررسید آن توسط برات‌گیر». عملیات براتی ضمانت نیز به مانند ظهرنویسی تشریفاتی و عینی است لذا اولاً) باید کتبی بوده و حاوی امضای ضامن باشد ثانیاً) در خود سند برات منعکس گردد ثالثاً) ضامن تا قبل از تسلیم سند می‌تواند از توثیق خود رجوع کند.

و اما در خصوص ماهیت حقوقی عملیات براتی «قبولی» نیز می‌توان گفت: ماهیت حقوقی «قبول» عبارت از ایقاعی است که موضوع آن تعهد به پرداخت مبلغ مندرج در سند براتی است. بدین‌سان که قبول‌کننده‌ی برات، با اراده‌ی یک طرفه‌ی خود تعهد می‌کند: معادل پولی اعتباری را که صادرکننده ایجاد نموده است، در سررسید آن به دارنده پرداخت کند «لذاست که قبول‌کننده‌ی سند براتی متعهد اصلی آن قلمداد می‌گردد. این عملیات براتی نیز تشریفاتی و عینی است یعنی: اولاً) باید کتبی و حاوی امضای قبول‌کننده باشد ثانیاً) در خود سند منعکس شود ثالثاً) قبول‌کننده می‌تواند تا قبل از تسلیم سند از تعهد خود رجوع کند. (عینی بودن عملیات براتی قبول).

#### **بند ششم: تبیین ماهیت «سند براتی»**

پس از تبیین ماهیت حقوقی عملیات براتی که یک عمل حقوقی ارادی و انشایی بود، در اینجا به تبیین ماهیت حقوقی «سند براتی» که خود حاصل عملیات براتی است می‌پردازیم. همچنان که گفته شد، حسب تحلیلی که از ماهیت حقوقی عملیات براتی ارائه گردید، سند براتی به مثابه پول است. و صادرکننده‌ی سند براتی، درست مانند دولت یا بانک مرکزی اقدام به انتشار پول می‌نماید. البته این پول با تضمین شخصی گردش می‌کند. به این ترتیب جهت تبیین ماهیت حقوقی «سند

مبادله‌ای مختلفی برخوردار بود. ناهمگونی و ناهمسانی ارزش‌های مختلف انواع کالاها و خدمات، یکی از مشکلات عمده و اساسی هنگام معاملات پایاپای بود. بنابراین به چیزی نیاز بود که همسان‌سازی انواع ارزش‌های اقتصادی ناهمگون و ناهمسان به آن‌ها کمک کند. این امر در صورتی امکان داشت و در عین حال مشکلات مبادلات پایاپای را حل می‌کرد که واحدهای مختلف پول عرفاً مثل هم باشند و گرنه معیار سنجش متفاوت می‌گردید و امکان مقایسه‌ی ارزش مبادله‌ای کالاها با ارزش مبادله‌ای پول از بین می‌رفت و مشکلات پایاپای همچنان باقی می‌ماند. همین تحلیل در مورد سایر پول‌ها (فلزی و کاغذی) نیز کاملاً صادق است. هزار ریال، ارزش مبادله‌ای است که ممکن است در یک کاغذ پاره‌ی رنگی خاص با رقم ۱۰۰۰ ریال ظاهر شود، یا اینکه در دو قطعه کاغذ دیگر با رقم‌های ۵۰۰ ریالی خود را نشان دهد. بنابراین تمام قطعات ۱۰۰۰ ریالی به حسب مقدار ارزش مبادله‌ای که دارند، مثل هم محسوب می‌شوند حتی پول ۱۰۰۰ ریالی با دو قطعه پول کاغذی ۵۰۰ ریالی از جهت ارزش مبادله‌ای مثل هم هستند.<sup>۳۱</sup>

(ب) مثلی بودن پول براساس تعریف مال مثلی: «مثلی و قیمی از عناوین انتزاعی هستند

### (ب) مثلی بودن پول:

در خصوص ماهیت پول نظریه‌های مختلفی ابراز شده است: برخی از فقیهان پول را مطلقاً مال مثلی دانسته‌اند. برخی دیگر پول را به حسب قدرت خرید، مثلی می‌دانند و بعضی دیگر پول را به حسب ارزش اسمی، عدد، رقم، رنگ و سایر ویژگی‌های ظاهری مثلی می‌دانند. گروهی دیگر از فقیهان پول را مال قیمی می‌دانند. همچنین در این خصوص نظریه‌های نه مثلی و نه قیمی و هم مثلی و هم قیمی ارائه شده است.<sup>۳۲</sup>

نکته‌ای که می‌بایست بیان شود این است که پول فی نفسه مال است و سند مال نیست.<sup>۳۳</sup> این امر از تحول تاریخی شکل‌گیری پول کاملاً قابل استنباط است که قبلاً به تفصیل در مورد آن سخن گفته شد.<sup>۳۴</sup>

برای اینکه روشن شود پول مثلی است یا قیمی یا اینکه اصلاً ماهیت سومی دارد مسأله را از جنبه‌ی تاریخی و نیز از طریق تعریفی که برای مال مثلی صورت گرفته است بررسی می‌کنیم:<sup>۳۵</sup>

(الف) مثلی بودن پول براساس نگاه تاریخی به آن: همانطور که سابقاً گفته شد «در زندگی ابتدایی هر یک از کالاها و خدمات براساس کار و میزان مطلوبیتی که برای افراد داشت نزد آنان از ارزش‌های

براتی» ابتدا ماهیت حقوقی «پول» را بررسی می‌کنیم و در ادامه در مقایسه با پول، ماهیت حقوقی «سند براتی» را تحلیل می‌نماییم.

### ۱- ماهیت حقوقی «پولی»

(الف) مالیت پول: برای اثبات مالیت پول می‌توان ادله زیر را برشمرد:<sup>۳۶</sup>

۱- با توجه به کارکرد «ذخیره ارزش توسط پول»<sup>۳۸</sup>: «وقتی پول بتواند ارزش مبادله‌ای را ذخیره کند و در عین حال آن را مال ندانیم صحیح نیست چرا که ارزش مبادله‌ای، همان مالیت است».<sup>۳۹</sup>

۲- با استفاده از تعریف مال: «مال چیزی است که در نظر عرف و عقلاً، مطلوبیت داشته باشد و در نتیجه برای آن تقاضاً پدید آید و از طرف دیگر، از صفت کمیابی نسبی نیز برخوردار باشد».<sup>۴۰</sup> از آن‌جا که این تعریف در خصوص پول نیز صادق است و شامل پول هم می‌شود لذا با عنایت به تعریف مال، می‌توان مالیت پول را اثبات نمود. البته شایان ذکر است که اصل این مالیت برای پول اعتبار می‌شود نه این که برای کاغذ رنگی فایده‌ای اعتبار کنند و از آن فایده، مالیت را اعتبار کنند.<sup>۴۱</sup> به دیگر سخن ارزش مالی پول اعتباری است.



و برای تعریف آنها باید به تحلیل روانی عرف و عقلا نسبت به اشیاء خارجی توجه کرد و یا با کشف ارتکازات ذهنی عرف و عقلا نسبت به آنها، ویژگی‌های اشیای مثلی را شناسایی کرده، آن را ضابطه‌مند نمود و به صورت تعریف ارائه داد. هنگامی افراد یک شیء در نزد عرف و عقلا، مثل هم هستند که آنها حاضر باشند، افراد آن را به جای هم قبول کنند و این امر در صورتی محقق می‌شود که خصوصیات افراد آن شیء به نحوی باشند که باعث تفاوت رغبت، مطلوبیت و در نتیجه تفاوت در مالیت آنها نگردد»<sup>۳۷</sup> علیهذا براساس این تعریف «در صفاتی که اشیاء به حسب آن صفات مثل هم محسوب می‌شوند هیچ‌گونه تفاوتی نمی‌توان قائل شد و صفات شبیه در اشیاء مختلف اعم از صفات نسبی و ذاتی اگر به نحوی باشند که رغبت افراد به آنها یکسان باشد و در نتیجه در نظر عرف در ارزش و مالیت تفاوت نداشته باشند، مثلی محسوب می‌شوند و گرنه قیمی هستند. با این بیان به خوبی آشکار می‌شود که پول کاغذی امروزی با همه‌ی صفاتی که دخیل در رغبت و مطلوبیت و در نتیجه در مالیت و ارزش مبادله‌ای آن مؤثر باشد، مثلی محسوب می‌شود و همه می‌دانند که صرف یک کاغذ پاره‌ی رنگی که برای هیچ‌کاری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، هیچ‌گونه ارزشی ندارد و آنچه در نظر عرف اهمیت دارد، مالیت، ارزش مبادله و قدرت خرید آن است. بنابراین نه اینکه تمام پول‌های کاغذی ۱۰۰۰ تومانی مثل هم باشند بلکه هر قطعه اسکناس ۱۰۰۰ تومانی دقیقاً با ۱۰ قطعه اسکناس ۱۰۰ تومانی نیز مثل هم می‌باشند»<sup>۳۸</sup>.

## ۲- ماهیت حقوقی «سند براتی»

در خصوص ماهیت سند برات براساس این نظریه که برات را بر مبنای ماهیت پول تبیین می‌کند می‌توان گفت: اولاً (برات فی نفسه مال است و نه اینکه سند مال باشد. به این ترتیب نمی‌توان پذیرفت که برات سند یک تعهد تجاری است.

برخی از نویسندگان حقوق تجارت برات را صرفاً سندی مجرد دانسته‌اند که متضمن یک تعهد تجاری است.<sup>۳۹</sup>

ثانیاً) به نظر می‌رسد برات یک مال قیمی است چرا که ارزش مبادله‌ای برات که براساس میزان اعتبار و قدرت اقتصادی و تعهدپذیری امضاءکنندگان تعیین می‌گردد لهذا با تغییر امضاءکنندگان آن میزان رغبت به

آنها متفاوت می‌باشد بنابراین می‌بایست این مال را مال قیمی بر شمرده علت این امر این است که هنوز برات نتوانسته کاملاً ارزش و اعتبار «پول واقعی» را نزد عرف و عقلا پیدا کند. البته اگر براتی توسط یک مرجع معتبر مانند بانک صادر و یا توثیق شود، بعید نیست بتوان آن را در حکم پول و مال مثلی بر شمرده.

## بند هفتم: تبیین اوصاف برات و اصول حاکم بر آن بر مبنای این نظریه

بر مبنای تبیینی که از ماهیت عملیات براتی (صدور، ظهورنویسی، ضمانت و قبول) ارائه گردید، امهات اصول حاکم بر برات و اوصاف آن قابل توجه خواهد بود به این ترتیب با این نظریه، بر خلاف تصور عمومی حقوقدانان مدنی و تجارت<sup>۴۰</sup> که اصول و احکام برات را خلاف قواعد حقوق مدنی قلمداد کرده‌اند می‌توان این اصول، اوصاف و احکام را بر مبنای قواعد حقوق مدنی و نیز فقه امامیه (بر فرض پذیرش این ایقاع نامعین در فقه امامیه) توجیه و تبیین نمود.

همچنان که گفته شد عملیات براتی یک ایقاع تشریفاتی و عینی است. بنابراین می‌بایست شرایط شکلی مقرر در قانون در آن رعایت شود، لذا وصف شکلی بودن عملیات براتی توجیه می‌گردد. همچنین می‌توان گفت وصف منجز بودن عملیات براتی و اصل ناشی شدن تعهدات برواتی از سند نیز به همین تشریفاتی بودن عملیات براتی بر می‌گردد. همچنین بخشی از مصادیق وصف تنجیزی عملیات براتی را می‌توان با قواعد مربوط به ایقاع معلق و منجز تبیین و توجیه نمود.

همچنین برای اعتبار و نفوذ (صحت) عملیات براتی می‌بایست شرایط اساسی صحت ایقاع در آن مراعات شود لهذا مقررات مربوط به سلامت اراده، اهلیت، موضوع معین و معلوم و جهت مشروع می‌بایست در آن مراعات گردد. هر یک از امضاءکنندگان سند براتی ایقاع ویژه‌ای را انشاء می‌کنند که موضوع آنها ایجاد یک اعتبار پولی، یا توثیق یک اعتبار پولی ایجاد شده یا تعهد به کارسازی یک اعتبار پولی ایجاد شده است. بنابراین هر یک از امضاءکنندگان سند تجاری ماهیت جدا و مستقلاً را بوجود می‌آورد لذا است که اصل استقلال امضاءها کاملاً توجیه‌پذیر خواهد بود و هیچ منافاتی با قواعد حقوق مدنی ندارد و آنچه در خصوص عدم استقلال امضاءها در مورد انتقال طلب در حقوق مدنی گفته شده است در مقایسه با

عملیات براتی قیاس مع الفارق است. چرا که عملیات براتی ماهیت مستقلاً غیر از انتقال طلب دارد و لهذا نباید با هم مقایسه شوند. همچنین با عنایت به این توضیح مسؤولیت مستقل هر یک از این امضاءکنندگان در مقابل دارنده برات که از آن به عنوان مسؤولیت تضامنی امضاءکنندگان برات تعبیر می‌شود کاملاً علی القاعده و موجه است چرا که هر یک از امضاءکنندگان تعهد مستقلاً را برعهده گرفته است. لذا این مسؤولیتی که در اینجا به مسؤولیت تضامنی تعبیر می‌شود هیچ ارتباطی با عقد ضمان و اصل مسؤولیت نسبی در مسؤولیت‌های مشترک در حقوق ایران و فقه امامیه ندارد. لذا است که مقایسه‌ی این نهادها با یکدیگر و در نتیجه حکم به خلاف قاعده دادن وصف مسؤولیت تضامنی امضاءکنندگان سند براتی هیچ توجیهی نخواهد داشت. همچنین با عنایت به انشاء مستقل بودن عملیات براتی، اولاً اصل مجرد بودن عملیات براتی و ثانیاً اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات روابط مبنایی نیز کاملاً توجیه داشته و امری خلاف قاعده نمی‌باشد. چه اینکه عملیات براتی تعهد مستقلاً است و در اصل حدوث و ایجاد خود ارتباطی با روابط مبنایی ندارد تا بتوان ایرادات روابط مبنایی را در مورد آن قابل استناد دانست. استثنائاتی هم که بر این اصل وارد شد دو دسته‌اند برخی از آنها که مربوط به ایرادات شکلی و ماهوی خود عملیات براتی است که تخصصاً از این اصل خارج‌اند و تلقی کردن آنها به عنوان استثناء صحیح نمی‌باشد و برخی دیگر مانند قابلیت استناد ایرادات در روابط بین طرفین رابطه مبنایی و نیز در مقابل دارنده‌ی با سوء نیت، استثناء بر این اصل نیست بلکه ادله ویژه خود را دارد.

در پایان این بحث دو نکته دیگر را متذکر می‌شود:

۱- عملیات قبض و اقباض سند براتی، یک عمل مادی است که قانونگذار آثاری را برای آن بر شمرده است. بدین‌سان، قبض و اقباض سند براتی یک واقعه حقوقی است که در نتیجه آن برای دارنده جدید، حقی اعتباری ایجاد می‌شود. لهذا نباید قبض یا اقباض را انشاء تلقی نمود و در نتیجه بدنبال تحلیل آن بر مبنای ایقاع یا عقد پرداخت، لذا است که اقباض دارنده‌ی سند براتی به مفهوم انشاء قبول از سوی او نیست. همچنین انتقال سند براتی به مانند انتقال پول یک عمل مادی و در نتیجه یک واقعه حقوقی است. بدین‌سان در

- ۱۴- دکتر قنواتی، جلیل و ... حقوق قراردادها در فقه امامیه پاورقی ص ۳۹
- ۱۵- دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان ص ۳۸۷
- ۱۶- دکتر شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها ص ۲۰۱ - دکتر کاتوزیان، ناصر، ایقاع ص ۱۳۱
- ۱۷- دکتر شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها ص ۲۰۱
- ۱۸- دکتر کاتوزیان، ناصر، ایقاع ص ۱۳۱ و ۱۳۲
- ۱۹- البته شایان ذکر است منظور از تفاوت در اینجا تفاوت ماهوی حقوقی است والا پول وسیله سنجش ارزش بوده و پرداخت آن ایفاء تعهد محسوب می شود در حالی که سند براتی وسیله سنجش ارزش نیست بلکه ضابطه سنجش میزان ارزش آن واحد پول است و لذا همواره موضوع آن مقدار معینی پول باید باشد و نیز تسلیم آن ایفاء تعهد محسوب نمی شود.
- ۲۰- دکتر کاویانی، کورش، حقوق اسناد تجاری ص ۱۵ تا ۱۷
- ۲۱- برای ملاحظه بحث تفصیلی به فصل اول این نوشتار مبحث تاریخچه پول مراجعه شود.
- ۲۲- دکتر صفری، محمد، حقوق بازرگانی اسناد ص ۸۳
- ۲۳- یوسفی، احمد علی، ربا و تورم ص ۶۵ و ۶۶
- ۲۴- ایقاع عینی به مانند عقد عینی آن است که مورد ایقاع باید به قبض داده شود مانند شفعه که تا شفع، ثمن را تسلیم نکند شفعه محقق نمی شود. (رک دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان ص ۶۹۳)
- ۲۵- شنبیه رهن که قبض در آن شرط صحت است، حواشی بر منهاج الصالحین شهید صدر
- ۲۶- مانند وصیت تملیکی که موصی له حق رد دارد / برای ملاحظه تفاوت ایقاع قابل رد و عقد رک گفتار نخست همین فصل
- ۲۷- یوسفی، احمد علی، ربا و تورم ص ۷۰ و ۷۱
- ۲۸- در خصوص مفهوم ذخیره ارزش توسط پول رد یوسفی، احمد علی، ربا و تورم ص ۶۶ همچنین رد همین اثر
- ۲۹- همان ص ۷۰
- ۳۰- همان ص ۷۱
- ۳۱- همان ص ۷۹
- ۳۲- یوسفی، احمد علی، بررسی فقهی نظریه های جبران کاهش ارزش پول، نشریه فقه اهل بیت شماره ۳۰ ص ۱۵۲
- ۳۳- آیت الله شیخ جواد تبریزی، پاسخ شماره ۲۵۲۸ مورخه ۷۵/۷/۲۴ ه.ش به پرسش کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به نقل از یوسفی، احمد علی همان ص ۱۴۸
- ۳۴- رد، همین اثر مبحث تاریخچه شکل گیری پول
- ۳۵- یوسفی، احمد علی همان ص ۱۶۱
- ۳۶- دکتر شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات ص ۱۰۹

و تعهد ناشی از روابط مبنایی مراجعه کرد. توضیح اینکه وقتی یک تاجر در اثر یک معامله تجاری (مثلاً بیع) متعهد به پرداخت مبلغی پول می گردد (تعهد ناشی از رابطه مبنایی) ممکن است در ضمن عقد بیع و یا به طور جداگانه با متعهدله خود توافق کند ایفاء تعهد ناشی از رابطه مبنایی از طریق عملیات براتی صورت گیرد. به این صورت که اگر تعهد براتی، انجام شد تعهد ناشی از رابطه مبنایی نیز ایفاء شده تلقی گردد در این صورت پر واضح است که در عین مستقل بودن تعهد براتی از رابطه مبنایی حسب توافق صورت گرفته، ایفاء تعهد براتی، ایفاء تعهد ناشی از رابطه مبنایی نیز می باشد و اما در صورتی که چنین توافق صریحی نیز بین طرفین نباشد باید به عرف مراجعه کرد که در صورت اقدام به عملیات براتی متعاقب یک رابطه تجاری (رابطه مبنایی) آیا ایفاء تعهد براتی ایفاء تعهد ناشی از رابطه مبنایی نیز تلقی می گردد یا خیر؟ به نظر می رسد حکم عرف در این زمینه این است که ایفاء تعهد براتی که متعاقب یک تعهد ناشی از رابطه تجاری یا هدف ایفاء تعهد ناشی از آن بوجود آمده است، ایفاء آن رابطه تجاری مبنایی تلقی می گردد. به این ترتیب این بیان نیز که صرف دادن سند براتی ایفاء تعهد محسوب نمی شود<sup>۱</sup> کاملاً توجیه می گردد.

### پی نوشت ها

- ۱- دکتر کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات ص ۱۷
- ۲- دکتر جعفری لنگرودی، حقوق تعهدات ص ۵
- ۳- دکتر کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات ص ۹۵ به بعد
- ۴- دکتر کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات ص ۱۰۰
- ۵- دکتر کاتوزیان، ناصر، ایقاع ص ۱۸ و ۱۹
- ۶- دکتر کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها ج ۱ ص ۱۲
- ۷- دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت ج ۱ ص ۳۸۳
- ۸- قنواتی، جلیل و ... حقوق قراردادها در فقه امامیه ص ۳۹
- ۹- همان
- ۱۰- دکتر کاتوزیان، ناصر، ایقاع ص ۲۳ و ۲۴
- ۱۱- قنواتی، جلیل و وحدتی شبیری، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم، حقوق قراردادها در فقه امامیه ص ۳۹
- ۱۲- دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت ج ۱ ص ۳۸۴
- ۱۳- دکتر کاتوزیان، ناصر، ایقاع ص ۴۲ / همچنین رد، دکتر جعفری لنگرودی، محمد جعفر، همان ص ۳۸۶

انتقال سند براتی اگر سند در وجه حامل یا در حکم سند در وجه حامل نباشد در وجه امضای انتقال دهنده در آن را (بر فرض شرطیت آن برای انتقال و عدم قابلیت انتقال اسناد در غیر وجه حامل با قبض و اقباض علیرغم قابل خدشه بودن این فرض) می توان از شرایط شکلی و تشریفاتی برات دانست، و قبض و اقباض آن را همانند قبض و اقباض پول یک عمل مادی بدانیم که قانونگذار اثر حقوقی بر آن بار کرده است. به این ترتیب عملیات انتقال اسناد براتی کاملاً تبیین می گردد. بر این مبنا، مفهوم دارنده قانونی (حمایت شده) سند براتی شخصی است که با رعایت شرایط شکلی، (مانند لزوم درج امضای انتقال دهنده در اسناد در غیر وجه حامل)، سند برات را با حسن نیت از متصرف پیشین آن و با رضایت او اقباض کرده باشد. منظور از حسن نیت آن است که وجود ایراد در روابط مبنایی و یا نحوه رعایت شرایط انتقال ناآگاه باشد والا چنین دارنده ای حمایت شده تلقی نمی گردد.

همچنین شایان ذکر است صرف درج امضای انتقال دهنده (ظهورنویس) در سند برات، بنابر فرض قانونی به معنی توثیق اعتبار آن نیز می باشد و در صورتی که انتقال دهنده چنین قصدی نداشته باشد بنابر اصل تشریفاتی بودن عملیات براتی این امر را باید در سند قید کند والا مسؤول توثیق برات شناخته می شود.

۲- در خصوص رابطه بین تعهد براتی و تعهد ناشی از روابط مبنایی نیز می توان گفت، این مسئله، یک مسئله مربوط به حقوق مدنی است و ارتباطی با مجرد بودن و مستقل بودن تعهد براتی ندارد. توضیح اینکه سؤال مطرح در خصوص رابطه بین تعهد براتی و تعهد ناشی از رابطه مبنایی این است که آیا متعهد این دو تعهد، در واقع دو تعهد مستقل و غیر مرتبط دارد یا اینکه عمل به یکی از دو تعهد و یا سقوط یکی از دو تعهد به هر نحو، تعهد دیگر را از بین می برد؟

اگر بپذیریم که این دو تعهد هیچ ارتباطی باهم ندارند و متعهد موظف است هم تعهد ناشی از رابطه مبنایی را ایفاء کند و هم تعهد ناشی از سند براتی را، این حکم، غیر عقلایی و دور از عرف تجاری است و اگر بپذیریم سقوط یکی از دو تعهد، تعهد دیگر را زائل می کند، ظاهر این نظر هم با استقلال و مجرد تعهد براتی ناسازگار می نماید. برای رفع این معضل و خروج از این محذور باید به قصد طرفین هر یک از تعهد براتی